



University of Tehran Press

Jurisprudential Review and Analysis of the Method of Repentance Verification Approved in 1403 with an Emphasis on the Qur'an and Hadiths

Mojtaba Faegh^{1*} | Mohammad Roshan²

1. Corresponding Author, Department of Family, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. E-mail: M_faegh@sbu.ac.ir

2. Department of Family, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. E-mail: M-Roshan@sbu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: 30 September 2024

Revised: 02 March 2025

Accepted: 25 October 2025

Published online 10 December 2025

Keywords:

Repentance,
How to verify repentance,
Qur'an,
Hadiths,
Jurisprudence.

ABSTRACT

Repentance (Tawbah), a profound religious, jurisprudential, ethical, theological, and legal principle, constitutes one of the most established concepts within Islamic jurisprudence. This fundamental notion has been progressively integrated from the core tenets of Islamic law into the penal legislation of the Islamic Republic of Iran, gaining independent recognition within the nation's criminal justice system, particularly underscored in the 2012 Islamic Penal Code. The significance of this principle was further emphasized by the promulgation of comprehensive procedural directives for the verification of repentance by the Head of the Judiciary in July 1403 (corresponding to July 2024). The present research underscores the critical necessity of a meticulous examination and analytical appraisal of these nine articles within the aforementioned manual. This evaluation, grounded in Quranic, narrative (Sunnah), and jurisprudential principles and foundations, aims to resolve existing ambiguities, identify pathological issues, and propose practical and actionable solutions for enhancing the efficacy of these directives. Employing a descriptive-analytical methodology, this study critically scrutinizes the operational framework of repentance, as delineated in the manual, against authentic religious sources, including the Holy Qur'an, prophetic traditions (Hadith), and classical jurisprudential texts. A primary finding of this research reveals that the mechanism for verifying repentance—which effectively serves as the executive regulation for Articles 114 to 119 of the Islamic Penal Code—is aligned with the interpretations of only a segment of jurists, rather than representing a universally accepted jurisprudential consensus. Furthermore, the articles contained within this manual are found to be exclusively rooted in the established procedural rules governing judicial courts, thus indicating that their underlying basis lacks a comprehensive jurisprudential foundation.

Cite this article: Faegh, M. & Roshan, M. (2026). Jurisprudential Review and Analysis of the Method of Repentance Verification Approved in 1403 with an Emphasis on the Qur'an and Hadiths. *Islamic Jurisprudential Researches*, 21, (4), 301-313.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2025.382920.1009522>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.382920.1009522>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

بررسی و تحلیل فقهی شیوه‌نامه احراز توبه، مصوب ۱۴۰۳، با تأکید بر قرآن و روایات

مجتبی فائق^{۱*} | محمد روشن^۲

۱. نویسنده مسئول، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: M_faegh@sbu.ac.ir

۲. پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: M-roshan@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

کلیدواژه:

توبه،

شیوه‌نامه احراز توبه،

روایات،

فقه،

قرآن.

توبه یک اصل و مفهوم دینی، فقهی، اخلاقی، کلامی، حقوقی و از مفاهیم تأسیسی در فقه است که از مبانی فقه به قوانین مجازات جمهوری اسلامی ایران وارد شده و به طور مستقل در نظام حقوق کیفری کشور، در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، بر آن تأکید شده است. در تیرماه ۱۴۰۳، شیوه‌نامه احراز توبه توسط ریاست قوه قضاییه ابلاغ شد که این مهم بر اهمیت این اصل دلالت می‌کند. بررسی و تحلیل مواد نه‌گانه این شیوه‌نامه بر مبنای اصول و مبانی قرآنی، روایی، و فقهی برای رفع برخی از ابهامات، آسیب‌شناسی، و ارائه پیشنهادها پژوهشی برای بهبود این شیوه‌نامه ضرورت پژوهش حاضر را ایجاد می‌کند. این تحقیق با شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد شیوه‌نامه احراز توبه بر مبنای منابع اصیل دینی، مانند قرآن و روایات و متون فقه، پرداخته است. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این است که شیوه‌نامه احراز توبه، که در واقع دستورالعمل اجرایی مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی است، منطبق بر نظر برخی از فقهاست نه همه آن‌ها و موادی از این شیوه‌نامه هم فقط در ضوابط حاکم بر محاکم قضایی ریشه دارد و هیچ اساس فقهی ندارد.

استناد: فائق، مجتبی و روشن، محمد (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل فقهی شیوه‌نامه احراز توبه، مصوب ۱۴۰۳، با تأکید بر قرآن و روایات. پژوهش‌های فقهی ۲۱ (۴)، ص ۳۰۱-۳۱۳.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2025.382920.1009522>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.382920.1009522>



مقدمه

توبه یکی از موضوعات مشترک میان علم اخلاق، کلام، عرفان، فقه، و حقوق است که کارشناسان هر حوزه با عنایت به رویکرد ویژه‌ای که دارند مفهوم آن را بررسی می‌کنند. توبه ۸۷ بار در قرآن کریم و در متون اسلامی به مفهوم بازگشتن از گناهان آمده است. فقها بر مبنای ادله قرآنی و روایی جایگاهی ویژه برای توبه قائل شده‌اند. امروزه این مفهوم یکی از مسائل مهم حقوق کیفری در نظام عدالت اصلاحی است که بر اصلاح مجرمان به جای مجازات آن‌ها تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین راهکارهای رسیدن به اهداف حقوق جزایی افعال داوطلبانه‌ای است که مجرمان بدون اعمال فشار پیرامونی برای اصلاح آثار جرم ارتكابی و اصلاح مسیر زندگی خود انجام می‌دهند. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، با نگاه به تعالیم شرعی و فقهی، به تأثیر توبه در اسقاط احکام کیفری توجه کرده است. افزون بر این، شیوه‌نامه احراز توبه، مصوب ریاست قوه قضاییه در تیرماه ۱۴۰۳، که دستورالعمل اجرایی مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است، با هدف تسهیل و راهبری قضات و ضابطین قضایی ویژگی‌ها و شرایط پذیرش توبه از سوی محاکم قضایی را پیش چشم آورده است. در آموزه‌های قرآنی و روایی و فقهی، بر مفهوم توبه و شرایط تائب و پذیرش توبه تأکید شده است. بررسی و تحلیل شیوه‌نامه احراز توبه با نگاه به منابع اصیل اسلامی و واکاوی قرآنی و روایی و تبیین آرای فقها در اثری مستقل بررسی نشده است که این مسئله ضرورت پژوهش در این باره را آشکار می‌کند.

اهداف و سؤالات پژوهش

شرایط پذیرش توبه در قانون مجازات اسلامی به صراحت تبیین نشده است. بنابراین، شیوه‌نامه احراز توبه تدوین و ابلاغ شد. هدف پژوهش پیش رو تحلیل و نقد این شیوه‌نامه بر اساس مبانی دینی و واکاوی دیدگاه قرآن و روایات و فقه درباره توبه و شرایط پذیرش آن است. از این رو، مهم‌ترین سؤالات این پژوهش چنین است:

- مفهوم اصطلاحی تطبیق‌پذیر توبه در قرآن و روایات و منابع فقهی کدام است؟
- شرط پذیرش توبه مجرمان بر اساس آرای فقهی اظهار است یا احراز؟
- چه نقدهایی بر شیوه‌نامه احراز توبه بر مبنای نظرات و دیدگاه‌های فقهی وارد است؟

فقه‌های امامیه درباره جایگاه توبه در سقوط حدود شرعی اتفاق نظر دارند. ولی در موضوع شرایط پذیرش توبه در محاکم قضایی و در جرایم گوناگون میان آن‌ها اختلاف نظر است. با بررسی و تحلیل آرای فقهی دریافت می‌شود که اصول حقوق کیفری و شیوه‌نامه احراز توبه از دیدگاه‌های گروهی از فقها استنباط شده است.

پیشینه پژوهش

جایگاه توبه در آموزه‌های اسلامی بسیار بالاست؛ طوری که در بیشتر آثار و کتب روایی ابواب یا کتاب‌هایی با عنوان «التوبه» نوشته شده است. افزون بر این، آثاری مستقل در گرایش‌های اخلاقی و عرفانی و حقوقی چاپ شده است که می‌توان کتاب‌های *التوبه الی الله و مکفرات الذنوب* نوشته امام محمد غزالی، *التوبه و التائبون* نوشته مهدی فتلاوی، *فرهنگنامه توبه* نوشته محمد محمدی ری‌شهری، *توبه* نوشته شهید مرتضی مطهری، *توبه و استغفار از دیدگاه قرآن و روایات* نوشته ابوالقاسم کردستانی را نام برد. افزون بر این، مقالات بسیاری درباره رویکرد فقهی و حقوقی به موضوع توبه نوشته شده است که بهترین آن‌ها چنین است: «توبه و آثار آن در اندیشه امام علی^(ع) از منظر نهج البلاغه» نوشته ناسی ساسی و کوثر ساعدی، «استغفار و توبه از منظر قرآن و نهج البلاغه»، نوشته عباس یوسفی تازه‌کندی و حدیث شهرکی، «جایگاه نهاد توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون» نوشته علی آقاپور و یعقوب پورجمال، «مبانی کلامی و فقهی توبه در حقوق کیفری اسلام» نوشته محمدحسین فضاییلی، «تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲» نوشته احمد حاجی‌ده‌آبادی و محمد رجبی، «مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانونگذاری کیفری ایران» نوشته محمود صابر و علی رفیع‌زاده، و «توبه مجرم در فقه مقارن و حقوق جزا» نوشته محمدعلی طاهری و جهاندار امینی. مقالات یادشده در سه دسته جا می‌گیرند: نخست، مقالاتی که فقط به موضوع توبه در قرآن و روایات پرداخته‌اند؛ دوم، مقالاتی که به مبانی فقهی در زمینه توبه پرداخته‌اند؛ و سوم، مقالاتی که به تطبیق مواد قانون مجازات

اسلامی بر مبانی روایی و فقهی پرداخته‌اند و هیچ‌گونه نقد و تحلیلی درباره موضوع ارائه نمی‌دهند. وجه تمایز پژوهش پیش رو با آثار یادشده هم جنبه مستحدث بودن عنوان آن است که به شیوه‌نامه احراز توبه، مصوب ۱۴۰۳، پرداخته هم جنبه تحلیل و نقد این شیوه‌نامه بر مبانی اقوال و نظرات فقها.

محدوده و قلمرو مورد مطالعه

در این پژوهش، مفهوم توبه در آیات قرآن، روایات معصومان، فقه اهل سنت از فقهای متقدم و آثار روایی و فقهی نظیر سنن ترمذی و ابن‌ماجه و فقه شیعه هم از آثار متقدمین نظیر ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، شیخ مفید، سیدمرتضی، و ... تا امروز بررسی شده است.

روش و ابزار پژوهش

در پژوهش پیش رو، که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای قرآنی و روایی و فقهی-مانند جامع‌التفاسیر، جامع‌الاحادیث، جامع‌الفقه، القاموس، نور-سامان یافته، به بررسی قرآنی و روایی و فقهی مفهوم توبه و شرایط پذیرش آن پرداخته شده است.

واژه‌شناسی توبه

«توبه» مفهومی است که در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی آمده و به بازگشت بنده به سوی خداوند دلالت می‌کند و به طور خاص درباره بازگشت از گناهان به کار می‌رود (ابن‌فارس، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۷). ریشه لغوی توبه از «ت و ب» گرفته شده و در لغت عرب معنای اصلی این ریشه «بازگشتن» است (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۳). اینکه گروهی از لغویون توبه را به معنای بازگشت از گناه گرفته‌اند نوعی کاربرد عام در معنی خاص است (ابوهلال، ۱۳۵۳ ق: ۱۹۴ - ۱۹۵؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۱: ۹۲؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۳). مفهوم اصطلاحی توبه به طور عام در علوم مختلف هم ناظر به «بازگشتن» است؛ چنان که بیشتر مفسران مانند خطابی و حلیمی (ابن‌حجر، ۱۳۷۹ ق، ج ۱۱: ۱۰۴) و محدثان مانند طوسی (طوسی، ۱۳۸۳ ق، ج ۱: ۱۶۹؛ ابن‌جویری، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۷۰؛ راغب، ۱۴۱۲ ق: ۱۶۹) و فقیهان مانند نووی (نووی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰: ۱۰۸؛ قرطبی، ۱۹۷۲ م، ج ۱: ۳۲۴) و متکلمان مانند ماتریدی (ماتریدی، ۱۴۰۴ ق: ۱۲۰) و ابن‌فورک (ابن‌فورک، ۱۹۸۶ م: ۱۶۶) و عارفان مانند ابوالعباس ابن‌عطا (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹ ق، ج ۵: ۲۳۰) و قشیری (قشیری، بی‌تا: ۴۵) توبه را بر پایه «بازگشتن» تفسیر کرده‌اند. مفهوم توبه در قرآن کریم و احادیث معصومان به طور گسترده بیان شده است و در دوره شکل‌گیری علوم اسلامی در شاخه‌های مختلف آن، از فقه و کلام تا اخلاق و عرفان، وارد شده است. مفهوم اصطلاحی توبه در علم کلام پشیمانی از گناه و خطا و موجب برطرف شدن عقاب و عذاب است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۳۸۰؛ مفید، ۱۴۱۰ ق: ۸۵). یکی از مباحث برجسته در علم کلام در زمینه توبه شرایط تحقق آن-یعنی پشیمانی- است. برخی از علما مطلق آن را مد نظر قرار داده‌اند (مفید، ۱۴۱۰ ق: ۸۵؛ جوینی، ۱۴۰۵ ق: ۳۳۸) و گروهی دیگر پشیمانی از معصیت و فعل قبیح را مقید دانسته‌اند (قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۴: ۳۵۰؛ بغدادی، ۱۹۷۷ م: ۱۷۵؛ آمدی، ۱۳۹۱ ق: ۳۱۳؛ علامه حلی، ۱۳۹۹ ق: ۴۴۵) و شرط دیگر عزم بر ترک و تکرار نکردن فعل است (قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۴: ۳۵۰؛ بغدادی، ۱۹۷۷ م: ۱۷۵؛ آمدی، ۱۳۹۱ ق: ۳۱۳؛ علامه حلی، ۱۳۹۹ ق: ۴۴۵). مفهوم اصطلاحی توبه نزد عرفا پشیمانی از گناه، تصمیم به بازگشت به سوی خداوند، ترک بدی‌ها و گناهان، و پرداخت حقوق دیگران است (قشیری، بی‌تا: ۴۷؛ جرجانی، ۱۳۲۵ ق: ۶۳). نیز عرفا توبه را نخستین مقام از مقام‌های سیر و سلوک می‌دانند (قشیری، بی‌تا: ۴۵؛ سهروردی، ۱۴۰۳ ق: ۴۷۵ - ۴۷۶؛ سراج، ۱۳۸۰ ق: ۶۸). از منظر عارفان، انسان تائب کسی است که طاعات دینی همچون نماز و روزه را همواره با ریاضت بجای آورد و مقید به شریعت باشد (محاسبی، ۱۹۸۶ م: ۲۲۲ - ۲۲۴). ارکان توبه نزد عرفا چنین است: معرفت، ندامت، عزم و اراده برای پرهیز از تکرار جرم و گناه (غزالی، ۱۳۱۹ ش، ج ۴: ۴۰). امام خمینی^(ه) ندامت و پشیمانی از گناهان و تقصیرات گذشته را رکن نخست توبه و عزم بر عدم بازگشت برای همیشه را دومین رکن آن معرفی می‌کند که این دو به منزله مقدمات ذاتی برای توبه است (خمینی، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۵).

توبه در قرآن

ریشه «ت و ب» در قرآن به صورت‌های مختلف آمده است؛ مانند ثلاثی مجرد «تَابَ يَتُوبُ» که با حرف جرّ «علی» اشاره به توبه پذیرفتن و فاعل آن خداوند است (بقره/ ۳۷) و با حرف جرّ «الی» اشاره به توبه کردن و مجرور «الی» خداوند است (فرقان/ ۷۱). در کاربردهای دیگر نیز این فعل به معنای توبه کردن به کار رفته است (هود/ ۱۱۲). صیغه مبالغه «تَوَّابٌ» به عنوان نامی از اسماء‌الله بارها به معنای بسیار توبه‌پذیرنده در قرآن آمده است (بقره/ ۳۷)؛ درحالی‌که فقط در یک آیه تَوَّابٌ به معنای توبه‌کننده آمده و به انسان اطلاق شده است (بقره/ ۲۲۲). در برخی از کاربردهای قرآنی، توبه الهی در ارتباط با توبه انسانی است؛ یعنی چون کسی توبه کند خداوند توبه‌پذیر است (نساء/ ۱۶؛ مائده/ ۳۹). در آیات مختلف قرآن کریم توبه خداوند در عرض عفو (بقره/ ۱۸۷؛ شوری/ ۲۵)، هدایت (طه/ ۱۲۲)، و تبیین (نساء/ ۲۶) قرار گرفته است. همچنین پذیرش توبه بارها مقابل عذاب الهی مطرح شده است (آل عمران/ ۱۲۸) که در این حالت به معنای بازگرداندن عذاب است. رابطه توبه با استغفار و بخشیده شدن گناهان، که در برخی از آیات آمده، ناظر به بازگرداندن عذاب است (مائده/ ۷۴؛ هود/ ۳، ۵۲، ۶۱، ۹۰؛ غافر/ ۳).

توبه در فرهنگ قرآنی همواره مستلزم انجام دادن گناه نیست. در قرآن آمده است که خداوند از پیامبر (ص) و مهاجران و انصاری که از او پیروی کردند «توبه پذیرفت» (توبه/ ۱۱۷) بدون آنکه سخن از گناهی باشد. در آیات قرآن، آنجا که فاعل توبه انسان است، توبه با ایمان (اعراف/ ۱۵۳) و عمل صالح (مائده/ ۳۹) همراه می‌شود و توبه با تبیین با فاعل انسانی در یک آیه دیده می‌شود (بقره/ ۱۶۰). در برخی از آیات قرآن کریم توبه با اسلام (احقاف/ ۱۵؛ تحریم/ ۵)، با اخلاص دین (نساء/ ۱۴۶)، و پیروی راه خدا (غافر/ ۷) آمده است؛ درحالی‌که آیات متعددی وجود دارد که در آن‌ها توبه انسانی در کنار دسته‌ای از اعمال عبادی، مانند اقامه نماز و دادن زکات، قرار گرفته است (بقره/ ۱۲۸؛ توبه/ ۵، ۱۱، ۱۰۴، ۱۱۲؛ تحریم/ ۵). در مجموع از مباحث یادشده این‌گونه به دست می‌آید که توبه هم جنبه اعتقادی هم جنبه عبادی دارد. شرط پذیرش توبه بر اساس آیات قرآن به افرادی تعلق می‌گیرد که به عمل نادرستی در اثر نادانی دست بزنند و به‌زودی «توبه» کنند؛ اما کسانی که جرم و گناه انجام می‌دهند تا مرگ آنان فرارسد و آن‌گاه می‌گویند که اکنون توبه کردم توبه آن‌ها پذیرفته نیست (نساء/ ۱۷ - ۱۸). افزون بر آنچه یاد شد، در قرآن کریم توبه با وصف «نصوح» آمده است (تحریم/ ۸). این واژه از ماده «نصح» به معنای پاک و خالص (ابن‌سیده، بی‌تا، ج ۳: ۱۵۷؛ زمخشری، بی‌تا: ۶۳۵) یا به معنای بادوام و باثبات (ازهری، بی‌تا، ج ۴: ۱۴۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۱: ۴۱۱) است. توبه نصوح توبه‌ای است که توبه‌کننده در آن قصد دوام و پایداری دارد (طبری، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۸: ۱۶۸؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ج ۲: ۴۳۲؛ راغب، ۱۴۱۲ ق: ۸۰۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰: ۶۲ - ۶۳؛ قرطبی، ۱۹۷۲ م، ج ۸: ۲۲۷؛ ج ۱۸: ۱۹۷).

توبه در روایات

از دیدگاه امام علی (ع) توبه مراتبی دارد. در کتاب شریف نهج البلاغه چنین آمده است: «... (استغفار) شش معنا دارد: نخست پشیمانی از آنچه گذشت، دوم تصمیم به عدم بازگشت، سوم پرداختن حقوق مردم چنان که خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد، چهارم تمام واجبه‌های ضایع‌ساخته را بجا آوری، پنجم گوشتی که از حرام بر اندامت روییده با اندوه فراوان آب کنی چنان که پوست به استخوان چسبیده گوشت تازه بروید، ششم رنج طاعت را به تن بچشانی چنان که شیرینی گناه را به او چشاندی بودی...» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷).

پس، بر اساس تعالیم علوی (ع) توبه شش مرتبه دارد و از بیان حضرت (ع) به فردی که بدون قصد اصلاح و فقط به صورت لقلقه زبانی استغفار می‌کرد چنین به دست می‌آید که پذیرش توبه هم مراتبی دارد. در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده که یکی از یاران درباره حکم کسی که جرمی مرتکب می‌شود و خودش پیش از دستگیری توبه می‌کند می‌پرسد و ایشان می‌فرمایند که اگر صالح شود و از او کار نیکو و شایسته دیده شود حد بر او جاری نمی‌شود (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۳۷).

علاوه بر این، در روایات بسیاری بر جایگاه توبه تأکید شده است. در حدیثی نبوی آمده که توبه دری دارد که پهنای آن به اندازه وسعت مشرق تا مغرب است و تا خورشید از مغرب طلوع نکند این در بسته نمی‌شود (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۷۷). علاوه بر این در روایت دیگری از پیامبر اعظم (ص) آمده که در توبه دری است که مسافت عرض آن چهل (یا هفتاد) سال راه است و تا آستانه

قیامت بسته نمی‌شود (ترمذی، ۱۳۵۷ ق، ج ۵: ۵۴۵ - ۵۴۶؛ احمد بن حنبل، ۱۳۱۳ ق، ج ۴: ۲۴۱). همچنین با توجه به آیه ۱۸ از سوره نساء بر این نکته چنین تأکید شده است که تا وقتی نفس انسان به حلقوم نرسیده و در آستانه مرگ قرار نگرفته باشد خداوند توبه او را می‌پذیرد (ترمذی، ۱۳۵۷ ق، ج ۵: ۵۴۷؛ ابن ماجه، ۱۹۵۲ م، ج ۲: ۱۴۲۰). برخی از مفسران معتقدند که نزدیکی مرگ بازدارنده از توبه نیست. آنچه مرز پایانی پذیرش توبه است مشاهده احوالی است که در آن هنگام علم به خداوند از روی اضطرار حاصل می‌شود (سیدمرتضی، ۱۴۱۵ ق: ۲۳۴؛ فخرالدین رازی، بی‌تا، ج ۱۰: ۷۱). با وجود توصیه مؤکد بر احتراز از تکرار گناه، در روایات بر این نکته نیز تکیه شده است که انسان هرگز نباید از رحمت خداوند مأیوس شود و با وجود تکرار گناه هیچ‌گاه نباید در توبه را بر خود بسته ببیند (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ج ۲: ۴۳۴).

پس با عنایت به تأکید روایات، باب توبه هیچ‌وقت بسته نیست؛ با وجود اینکه پذیرش آن علاوه بر مرتبه لسانی دارای مراتب قلبی عملی است.

توبه در فقه امامیه و اهل سنت

در منابع فقهی مذاهب اسلامی بر وجوب توبه از گناهان تأکید شده است و اینکه توبه باید در اولین زمان ممکن اتفاق بیفتد، به اتفاق نظر علماء واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۰: ۸؛ نجفی، ۱۳۹۴ ق، ج ۳۳: ۱۶۸؛ ابن عبدالسلام، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۸؛ ابن تیمیه، بی‌تا، ج ۲۳: ۲۱۵؛ نووی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۱: ۲۴۹).

درباره اثر توبه فقیهان معتقدند کسی که مرتکب گناهی شده و حد بر او جاری شده است، در صورت توبه، بنا بر قول مشهور، به عدالت بازمی‌گردد و می‌تواند منصب‌هایی مانند امامت جماعت را به عهده گیرد (علامه حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۶۱؛ شافعی، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۸). درباره پذیرش توبه، دو جایگاه مد نظر است: یکی پذیرش توبه توسط خداوند و دیگری پذیرش توبه نزد خلق. فقها درباره شرایط پذیرش توبه نزد خداوند سکوت کرده‌اند. حتی در جاهایی، مانند اقسامی از ارتداد، که در آن استتابه منتفی است، گروهی از فقها بر این نکته تأکید کرده‌اند که حکم به عدم استتابه به این معنا نیست که اگر شخص توبه کند، توبه او مقبول خداوند قرار نخواهد گرفت (قمی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵: ۳۷۳؛ جصاص، ۱۴۰۵ ق، ج ۵: ۱۲۳). آنچه بر سر آن بحث است پذیرش توبه نزد خلق است که مهم‌ترین وجه آن در احکام حقوقی است که مستوجب حد یا تعزیر است. در جایی که توبه اثری حقوقی، اعم از خانواده یا مالی یا احکام عبادی، دارد نزد عموم فقها اظهار توبه به منزله توبه است (مفید، ۱۴۱۰ ق: ۵۰۴؛ طوسی، بی‌تا: ۴۵۸).

برخی فقها توبه را بر دو گونه دانسته‌اند: یکی توبه باطنی که فقط میان انسان و خداست و دیگری توبه حکمی که آثار حقوقی بر آن مترتب است (ابن قدامه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰: ۱۹۳). موضوع دشوار نزد فقها همین توبه حکمی است. زیرا مستوجب اعتماد به تائب است و اگر او در توبه خود صادق نباشد، موجب مفسده اجتماعی یا فردی می‌شود. از این رو، فقها این موضوع را بررسی کرده‌اند. مثلاً، درباره توبه محارب گروهی از فقیهان بر این نکته تأکید کرده‌اند که اظهار توبه از سوی محارب می‌تواند ناشی از تقیه بوده باشد و عدم مجازات محارب افزون بر اظهار توبه باید به اصلاح او نیز موقوف شود (ابواسحاق شیرازی، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۶؛ کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۷: ۹۶؛ ابن هیبره، ۱۳۶۶ ق، ج ۲: ۴۲۵؛ نووی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰: ۱۵۹). همچنین، اگر مردی زنی را به زناکاری بشناسد و با پذیرش اینکه توبه کرده است تصمیم به ازدواج با او بگیرد، گروهی از فقها معتقدند که اظهار توبه کافی نیست و لازم است تا صحت توبه آزمایش شود (طوسی، بی‌تا: ۴۵۸؛ ابن تیمیه، بی‌تا، ج ۳۲: ۱۲۵؛ بهوتی، ۱۴۰۲ ق، ج ۵: ۸۳). در حقوق جزایی بر اساس قاعده «درء» مبنای پذیرش توبه اظهار آن است. گروهی از فقها به روشنی از شرط اظهار توبه به جای توبه سخن گفته‌اند (مفید، ۱۴۱۰ ق: ۷۸۸؛ طوسی، بی‌تا: ۶۹۶). تکیه بر اظهار توبه به جای توبه خودبه‌خود کنکاش و تجسس از شرایط تحقق توبه را منتفی می‌کند و حتی گاهی که اصرار بر گناه کبیره‌ای ثابت شده است، باز، اظهار توبه با تحقق شرایطی می‌تواند حد را برطرف کند (مفید، ۱۴۱۰ ق: ۷۸۸). اندکی از فقها دوام بر ترک را از شروط توبه و رافع حکم دانسته‌اند و با تکرار آن حکم برقرار و حد جاری خواهد شد (زرکشی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱: ۴۲۱؛ عدوی، ۱۳۱۸ ق، ج ۱: ۹۹). ولی عموم فقها پشیمانی از جرم را کافی می‌دانند و عزم بر بازگشت را از شروط تحقق توبه نمی‌دانند (علامه حلی، ۱۳۹۹ ق، ج ۶: ۴۱۱؛ دسوقی، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۳؛ دمیاطی، بی‌تا، ج ۴: ۲۹۳؛ جاوی، بی‌تا: ۳۸۸؛ سیدمرتضی، ۱۴۰۵ ق: ۲۶۶). در مباحث حقوقی توبه یکی از موضوعات مهم

شرایط پذیرش توبه درباره حق الناس است. بیشتر فقها، اعم از اهل سنت و امامیه، قائل به وجوب ادای حق الناس پس از تزییع آن‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۵: ۷۸؛ نووی، ۱۴۰۹ ق: ۳۶۶؛ کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۷: ۹۶؛ عدوی، ۱۳۱۸ ق، ج ۱: ۵۰۷؛ آبی، بی‌تا: ۶۷۹). از دیدگاه فقها، در جرایم حدی و تعزیری نوع جرم، جنسیت مجرم، و زمان توبه بر پذیرش توبه اثرگذار است؛ مانند زمانی که مجرم پیش از اقامه شهادت نزد حاکم توبه کند که حد از او برداشته می‌شود. از دیدگاه بیشتر فقها، اگر مجرم پس از اقامه شهادت توبه کند، حاکم با در نظر گرفتن مصالح مسلمانان در اجرای حد یا عفو مختار است (ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق: ۴۳۰ - ۴۳۱؛ مفید، ۱۴۱۰ ق: ۷۷۷، ۷۸۷، ۷۸۸؛ ابن قیم، ۱۹۶۸ م، ج ۳: ۱۴۴). گروهی از فقها نیز معتقدند که پس از اقامه شهادت توبه پذیرفته نیست و حد باید جاری شود؛ ولی اگر توبه بر اساس اقرار ثابت شود رافع حد است (طوسی، بی‌تا: ۶۹۶؛ قرطبی، ۱۹۷۲ م، ج ۶: ۱۷۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۹۴۳، ۹۵۶؛ مرداوی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰: ۳۰۰).

بررسی و تحلیل شیوه‌نامه احراز توبه

مفهوم توبه اصلی تأسیسی در قانون مجازات اسلامی است که از مبانی فقهی دریافت شده است. نخستین بار در ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵^۱ درباره تأثیر توبه در جرایم تعزیری مواردی مطرح شد و در سال ۱۳۹۲ در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی به طور مبسوط شرایط توبه در جرایم مختلف مورد مذاقه قرار گرفت و این روند تکاملی در شیوه‌نامه توبه که در سال ۱۴۰۳ ابلاغ شد و شرایط پذیرش توبه را مد نظر قرار داد پیگیری شد. با وجود اهتمام قانون‌گذار نسبت به اصل توبه برخی موارد در این شیوه‌نامه بر اساس مبانی فقهی قابل نقد و تحلیل است که در پژوهش حاضر این مهم مطمح نظر قرار گرفته است. در شیوه‌نامه توبه که مشتمل بر ۹ ماده است و در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ از سوی ریاست قوه قضاییه ابلاغ شده نکته‌هایی قابل نقد و تحلیل است:

۱. در ماده ۱^۲ آمده که توبه حالتی نفسانی است که متضمن توجه و بازگشت انسان به سوی خداست که این قسمت بر تعالیم قرآنی و روایی و فقهی منطبق است (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ج ۲: ۴۳۴). ولی در ماده ۲ آمده است: «در کلیه جرایمی که توبه مؤثر در مجازات است چنانچه متهم در هر مرحله از رسیدگی یا محکوم ادعای توبه کند می‌تواند درخواست خود را همراه با قرائن و شواهد به مقام قضایی ارائه کند. همچنین، رئیس مؤسسه کیفری در صورتی که قرائتی از توبه در متهم یا محکوم مشاهده کند می‌تواند مراتب را مستنداً به گزارش مددکار اجتماعی و تأیید شورای طبقه‌بندی به مقام قضایی اعلام کند». عبارت «کلیه جرایمی که توبه مؤثر در مجازات است» خلاف صریح روایات و ادله فقهی است. چون در همه جرایم مجرم می‌تواند توبه کند. ولی در پذیرش و شرایط آن و لزوم اینکه حق الناس تزییع شده باید جبران شود در متون فقهی نمونه‌هایی بیان شده است^۳ (علامه حلی، ۱۳۹۹ ق، ج ۶: ۴۱۱؛ سیدمرتضی، ۱۴۰۵ ق: ۲۶۶؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۸: ۳۲۸ و ۵۳۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۳۳۴ - ۳۳۸؛ دسوقی، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۳؛ دمیاپی، بی‌تا، ج ۴: ۲۹۳؛ جاوی، بی‌تا: ۳۸۸).

۱. ماده ۵۲۱: هرگاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰ می‌شوند قبل از کشف قضیه مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند، بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه، در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند، مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد.

۲. ماده ۱ شیوه‌نامه توبه ابلاغ ۱۴۰۳: توبه حالتی نفسانی است که متضمن توجه و بازگشت انسان به سوی خدا پس از ارتکاب رفتار مجرمانه می‌باشد؛ به گونه‌ای که مرتکب به زشتی رفتار خویش آگاه و ندامت و اصلاح در رفتار وی مشاهده و بر ترک آن رفتار در آینده مصمم شود و سعی خود را برای اصلاح و جبران خسارت به کار گیرد.

۳. روایت عبدالله بن سنان از امام صادق^(ع) است که ایشان فرمودند سارق زمانی که توبه کرد و مال مسروقه را به صاحبش رد کرد پس دستش بریده نمی‌شود. روایت دیگر روایت جمیل از امام باقر^(ع) در مورد مردی است که سرقت کرده یا شراب نوشیده یا زنا کرده است. از حضرت سؤال شد که اگر کسی بر او آگاهی نیابد و او دستگیر هم نشود تا اینکه توبه کند و اصلاح شود، پس امام فرمودند زمانی که اصلاح شد حد بر او جاری نمی‌شود. اکثر فقها بر موضوع توبه ادعای اجماع کرده و آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در اصل وجوب توبه مخالفتی در میان فقها دیده نمی‌شود؛ لکن اختلاف در وجوب توبه تنها بر سر این است که آیا وجوب آن ارشادی است یا مولوی، به این معنی که در صورت ارشادی بودن وجوب توبه ارشاد به حکم عقل است و در صورت مولوی بودن ناظر بر ثواب و عقاب است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۳۳۴ - ۳۳۸).

۲. یکی از مهم ترین مواد این شیوه نامه که بسیار تأمل برانگیز است ماده ۵^۱ است. در این ماده شرایط احراز توبه چنین آمده است: «الف) التزام عملی به انجام فرایض دینی ...». این عبارت از هیچ یک از مبانی اصیل دینی استنتاج نمی شود و در هیچ یک از آثار فقهی از شرایط پذیرش توبه التزام به فرایض دینی دانسته نشده است (طوسی، بی تا: ۶۹۶؛ قرطبی، ۱۹۷۲ م، ج ۶: ۱۷۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۹۴۳ و ۹۵۶؛ مرداوی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰: ۳۰۰). نکته دیگر اینکه با چه معیاری انجام دادن فرایض دینی سنجیده می شود؟ پس در اینجا با ابهاماتی مواجهیم و تبیین آن ضروری می نماید. «ب) جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا برقراری ترتیبات جبران یا تلاش برای تحصیل گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی ...» این عبارت بر آرای فقها منطبق است. از نظر فقیهان، جبران حق الناس و ضرر و زیان خصوصی ضرورت دارد (علامه حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۵: ۷۸؛ نووی، ۱۴۰۹ ق: ۳۶۶؛ نووی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۹۱؛ کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۷: ۹۶؛ عدوی، ۱۳۱۸ ق، ج ۱: ۵۰۷؛ آبی، بی تا: ۶۷۹). «پ) اظهار ندامت و تعهد کتبی مبنی بر عدم ارتکاب جرم، به ویژه چنانچه ندامت خود را به نحوی اعلام نماید ...» اظهار ندامت و عدم ارتکاب مجدد از دیدگاه برخی از فقها از شرایط پذیرش توبه است (سیدمرتضی، ۱۴۰۵ ق: ۲۶۶؛ زرکشی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱: ۴۲۱؛ عدوی، ۱۳۱۸ ق، ج ۱: ۹۹) و از دیدگاه گروهی دیگر اظهار ندامت و عدم ارتکاب شرط نیست^۲ (علامه حلی، ۱۳۹۹ ق، ج ۶: ۴۱۱؛ دسوقی، بی تا، ج ۱: ۳۳۳؛ دمیاطی، بی تا، ج ۴: ۲۹۳؛ جاوی، بی تا: ۳۸۸). ولی از آنجا که در محاکم قضایی به دلیل تعدد قوانین، آرا و نظرات، و استنباط های قضات و نمایندگان قضایی در اثبات و ارائه حکم مبتنی بر ادله فقهی و قانونی وحدت رویه ضرورت دارد و پشیمانی و ندامت مجرم باید از طریقی برای قاضی مشخص شود، تنظیم این بند قابل دفاع و بر ادله فقهی و عقلی منطبق است. دنباله این ماده چنین است: «ت) همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم یا معرفی شرکا یا معاونان جرم؛ ث) تعهد به خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص شرور، شرکا، و معاونان جرم؛ ج) ارائه خدمات عام المنفعه یا مشارکت در امور خیر؛ چ) اقدام به درمان و ترک اعتیاد؛ ح) گزارش کتبی مددکار اجتماعی مبنی بر اصلاح رفتار مرتکب». آنچه یاد شد بر راهکارهای عملی روند اصلاح مجرمان دلالت می کند. ولی چگونگی انطباق آن ها بر اصول شرعی تأمل برانگیز است. زیرا در آرای فقهی در شرایط پذیرش توبه، نوع جرم، زمان توبه، و در نهایت تلاش برای عدم تکرار جرم مد نظر قرار گرفته است (ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق، ۴۳۰ - ۴۳۱؛ مفید، ۱۴۱۰ ق، ۷۷۷، ۷۸۷، ۷۸۸؛ ابن قیم، ۱۹۶۸ م، ج ۳: ۱۱۴۴).

۳. در مواد ۶ تا ۹ شیوه نامه نیز به احراز توبه نگریسته شده است.^۳ در ماده ۸ چنین آمده است: «مقام قضایی در اجرای ماده

۱. ماده ۵ شیوه نامه توبه، ابلاغ ۱۴۰۳: مقام قضایی به منظور احراز توبه، ندامت و اصلاح مرتکب، مواردی از قبیل بندهای ذیل که غالباً حاکی از صحت ادعای توبه است را مورد توجه قرار می دهد:

الف) التزام عملی به انجام فرایض دینی؛

ب) جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا برقراری ترتیبات جبران یا تلاش برای تحصیل گذشت شاکی یا مدعی خصوصی؛

پ) اظهار ندامت و تعهد کتبی مبنی بر عدم ارتکاب جرم به ویژه چنانچه ندامت خود را به نحوی اعلام کند؛

ت) همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم یا معرفی شرکا یا معاونین جرم؛

ث) تعهد به خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص شرور شرکا و معاونین جرم؛

ج) ارائه خدمات عام المنفعه یا مشارکت در امور خیر؛

چ) اقدام به درمان و ترک اعتیاد؛

ح) گزارش کتبی مددکار اجتماعی مبنی بر اصلاح رفتار مرتکب.

۲. برخی، چون سیدمرتضی، توبه را این گونه تعریف می کنند: «الندم علی المعصية لأنها معصية والعزم علی ان لا يعاود علی مثلها» و عزم بر ترک و عدم تکرار را از شرایط توبه می دانند. ولی برخی دیگر، چون علامه حلی، در جهت تبیین دیدگاه اکثریت با ارجاع به مباحثات متکلمان در باب توبه بر این نکته تأکید کرده اند که در توبه پشیمانی بر عمل پیشین کافی است و در تحقق آن عزم بر ترک بازگشت لازم نیست.

۳. ماده ۶ تا ۹ شیوه نامه توبه، ابلاغ ۱۴۰۳:

ماده ۶ مقام قضایی مربوط خارج از نوبت با ملاحظه مواردی نظیر پرونده شخصیت، پرونده رفتاری، و نظر نهادهای مذکور در ماده ۳ شیوه نامه به موضوع رسیدگی و در صورت احراز توبه قرائن و امارات مربوط را در تصمیم خود درج می کند.

ماده ۷. در جرایم حدی چنانچه توبه مؤثر در مجازات باشد و مرتکب بعد از قطعیت حکم مدعی توبه باشد. مراتب توسط دادستان یا مؤسسه کیفری بررسی و در صورت وجود شواهد و قرائن بر توبه وی مراتب به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می شود. چنانچه از نظر دادگاه توبه وی محرز باشد مراتب به معاون قضایی قوه قضاییه اعلام و رونوشت به مرجع مجری حکم داده می شود. معاون قضایی نتیجه را جهت اخذ تصمیم مقتضی به رئیس قوه قضاییه اعلام می کند.

۱۱۷ از قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، به مدعی توبه تفهیم می‌کند که چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت گردد که تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیف‌های در نظر گرفته شده ملغی و وی حسب مورد به مجازات حدی یا به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.^۴ اینکه در جرایم گوناگون شیوه‌برخورد با مجرم باید متفاوت باشد در قسمت پایانی ماده آمده است. این ماده نیز مانند نمونه‌های دیگر این شیوه‌نامه بر دیدگاهی منطبق است که عدم ارتکاب مجدد جرم را از شرایط پذیرش توبه می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق: ۴۳۰ - ۴۳۱؛ ابن قیم، ۱۹۶۸ م، ج ۳: ۱۴۴)، ولی این نظر مطلق نیست و بخش بزرگی از فقها و محدثان اظهار توبه را مؤثر می‌دانند (شافعی، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۸؛ مفید، ۱۴۱۰ ق: ۵۰۴؛ طوسی، بی‌تا: ۴۵۸). مواد ۶ تا ۸ شیوه‌نامه ناظر به اصول کلی پذیرش توبه است که در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، آمده است. در مجموع آنچه از بررسی آرای فقها پیرامون شرایط پذیرش توبه به دست می‌آید آن است که نوع جرم، که حدی یا تعزیری باشد، زمان توبه تائب، که پیش از شهادت باشد یا پس از آن، در پذیرش توبه مؤثر است و این نکته در برخی از مواد شیوه‌نامه احراز مغفول مانده است و برخی شرایط نیز بر ضوابط حقوقی حاکم بر محاکم قضایی مبتنی است و اصالت قرآنی و روایی و فقهی ندارد.

نتیجه

از پژوهش پیش رو نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. در قرآن و روایات معصومان^(ع) بر مفهوم بازگشتن برای توبه تأکید شده و شرط پذیرش آن اظهار توبه از سوی مجرم و گناهکار معرفی شده است.
۲. بر اساس این پژوهش، در فقه اهل سنت و امامیه درباره پذیرش توبه دو دیدگاه برجسته شده است: الف) برخی از فقها قائل به پذیرش توبه در جرایم صرف اظهار توبه‌اند و عدم ارتکاب مجدد را از شروط پذیرش نمی‌دانند؛ ب) گروهی دیگر عدم ارتکاب و تعهد تائب نسبت به جبران مافات را از شروط پذیرش توبه و پذیرفتن توبه از سوی حاکم را منوط به احراز آن می‌دانند.
۳. در شیوه‌نامه احراز توبه ملاک احراز آن است نه اظهار. این احراز با مواد هشتگانه‌ای که در ماده ۵ آمده واقع می‌شود. برخی از مواد این ماده بر نظر همان گروه از فقها منطبق است که عدم ارتکاب مجدد و تعهد و در نتیجه احراز توبه را شرط دانسته‌اند و مواد دیگر نیز متأثر از قواعد حاکم بر محاکم قضایی است.

پیشنهاد

۱. مهم‌ترین پیشنهاد پژوهش پیش رو ناظر به انجام دادن پژوهش‌های میدانی با رویکرد جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و حقوقی نسبت به عملکرد مجرمان در مواجهه با شیوه‌نامه احراز توبه است.
۲. بررسی جنبه‌های نظری فقهی که بر اهمیت جایگاه اظهار توبه تأکید کرده و تحلیل رویکرد دستگاه قضایی در شرایط کنونی که احراز بر اظهار غلبه دارد.
۳. آسیب‌شناسی شیوه‌نامه احراز پس از مدت یک سال اجرا بررسی و جنبه‌های گوناگون آن تحلیل شود و نقاط ضعف آن اصلاح و مدلی تازه در صورت نیاز ارائه شود.

ماده ۸. مقام قضایی در اجرای ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مدعی توبه تفهیم می‌کند چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت شود که تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیف‌های در نظر گرفته شده ملغی و وی حسب مورد به مجازات حدی یا به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.
ماده ۹. مسئولیت حسن اجرای این شیوه‌نامه بر عهده دادستان کل کشور است.

منابع

- ابن بابویه، محمد (۱۴۱۵ ق). المقنع. قم.
- ابن تیمیه، احمد (بی تا). کتب و رسائل و فتاوی. به کوشش عبدالرحمان محمد قاسم نجدی. بیروت: مکتبه ابن تیمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (۱۴۰۴ ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۳۷۹ ق). فتح الباری بشرح صحیح البخاری. به کوشش محمدرضا عبدالباقی و محب الدین خطیب. بیروت.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا). المحکم و المحيط الاعظم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عبدالسلام، عبدالعزیز (بی تا). قواعد الاحکام فی مصالح الانام. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن فورک، محمد (۱۹۸۶ م). مجرد مقالات ابی الحسن الاشعری. به کوشش دانیل ژیماره. بیروت.
- ابن قدامه، عبدالله (۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م). المغنی. بیروت.
- ابن قیم جوزیه، محمد (۱۹۶۸ م). اعلام الموقعین عن رب العالمین. به کوشش طه عبدالرئوف سعد. قاهره.
- ابن ماجه، محمد (۱۹۵۲ - ۱۹۵۳ م). السنن. به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی. قاهره.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن هبیره، یحیی (۱۳۶۶ ق / ۱۹۴۷ م). الافصاح عن معانی الصحاح. به کوشش محمد راغب طباح. حلب.
- ابو اسحاق شیرازی، ابراهیم (بی تا). المهدب فی فقه الامام الشافعی. بیروت: دارالفکر.
- ابو هلال عسکری، حسن (۱۳۵۳ ق). الفروق اللغویه. قاهره.
- آبی، صالح (بی تا). الثمر الدانی شرح رساله ابن ابی زید القيروانی. بیروت: المکتبه الثقافیه.
- احمد بن حنبل (۱۳۱۳ ق). مسند. قاهره.
- ازهری، محمد بن احمد (بی تا). تهذیب اللغه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آقاپور، علی و پورجمال، یعقوب (۱۴۰۰). جایگاه نهاد توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون. فقه و حقوق نوین، س ۲، ش ۸، ۲۸ - ۴۷.
- آمدی، علی (۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م). غایه المرام فی علم الکلام. به کوشش محمود عبداللطیف. قاهره.
- بغدادی، عبدالقاهر (۱۹۷۷ م). الفرق بین الفرق. بیروت.
- یهوتی، منصور (۱۴۰۲ ق). کشف القناع عن متن الاقناع. به کوشش هلال مصیلحی مصطفی هلال. بیروت.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: انتشارات نوید.
- ترمذی، محمد (۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م). السنن. به کوشش احمد محمد شاکر و همکاران. قاهره.
- جاوی، محمد (بی تا). نهایی الزین فی ارشاد المبتدئین. بیروت: دارالفکر.
- جرجانی، علی (۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ م). شرح المواقف. قاهره.
- جصاص، احمد (۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م). احکام القرآن. به کوشش محمد صدیق قمحاوی. بیروت.
- جوهری، اسماعیل (۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م). صحاح. به کوشش احمد عبدالغفور عطار. قاهره.
- جوینی، عبدالملک (۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م). الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد. به کوشش اسعد تمیم. بیروت.
- حاجی ده آبادی، احمد و رجبی، محمد (۱۳۹۴). تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. حقوق اسلامی، س ۱۲، ش ۴۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
- خطیب بغدادی، احمد (۱۳۴۹ ق). تاریخ بغداد. قاهره.
- خمینی، روح الله (۱۴۱۳ ق). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دسوقی، محمد (بی تا). حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر. به کوشش محمد علیش. بیروت: دارالفکر.
- دمیاطی، ابوبکر (بی تا). اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین. بیروت: دارالفکر.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م). مفردات الفاظ القرآن. به کوشش صفوان عدنان داوودی. دمشق: بیروت.
- زرکشی، محمد (۱۴۰۵ ق). المنثور فی القواعد. به کوشش تیسیر فائق احمد محمود. کویت.

- زمخشری، محمود بن عمر (بی‌تا). اساس البلاغه. بیروت: دار صادر.
- ساکي، نانسى و ساعدى، كوثر (۱۳۹۷). توبه و آثار آن در اندیشه امام علی(ع) از منظر نهج البلاغه. پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- سراج، عبدالله (۱۳۸۰ ق.). المصباح فی التصوف. به کوشش عبدالحمید محمود و عبدالباقی سرور. قاهره.
- سهروردی، عمر (۱۴۰۳ ق.). عوارف المعارف. بیروت.
- سیدمرتضی، علی (۱۴۰۵ ق.). الحدود و الحقایق. به کوشش احمد حسینی. قم.
- _____ (۱۴۱۵ ق.). الانتصار. قم.
- شافعی، محمد (بی‌تا). الام. بیروت: دارالمعرفه.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳ ق.). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم.
- صابر، محمود و رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴). مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانون‌گذاری کیفری ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۱، ۷۳ - ۹۴.
- طاهری، محمدعلی و امینی، جهاندار (۱۳۹۳). توبه مجرم در فقه مقارن و حقوق جزا. مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۹، ش ۳۵.
- طبرسی، فضل (۱۴۱۵ ق.). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت.
- طبری، محمد (۱۴۰۵ ق.). جامع البیان عن تأویل ای القرآن. بیروت.
- طوسی، محمد (۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۴ م.). التبیان فی تفسیر القرآن. به کوشش قصیر عاملی. نجف.
- _____ (بی‌تا). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الاندلس.
- عدوی، علی (۱۳۱۸ ق.). حاشیه علی شرح الخرشی علی مختصر خلیل. با شرح خرشی. قاهره.
- علامه حلی، حسن (۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. به کوشش ابراهیم موسوی زنجانی. بیروت.
- _____ (۱۴۱۲ ق.). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم.
- غزالی، محمد (۱۳۱۹). احیاء علوم الدین. بیروت: مؤسسه الرساله.
- _____ (۱۹۸۶ م.). التوبه الی الله و مکفرات الذنوب. بیروت.
- فتلاوی، مهدی (بی‌تا). التوبه و التائبون. قم: مکتبه الامام الحسن.
- فخرالدین رازی، محمد (بی‌تا). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). قاهره: المطبعه البهیة.
- فضایلی، محمدحسین (۱۳۹۵). مبانی کلامی و فقهی توبه در حقوق کیفری اسلام. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۳ و ۷۴، ۷۳ - ۱۰۰.
- قاضی عبدالجبار (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.). المغنی فی ابواب التوحید و العدل. به کوشش مصطفی سقا و همکاران. قاهره.
- قرطبی، محمد (۱۹۷۲ م.). الجامع لاحکام القرآن. به کوشش احمد عبدالعلیم بردونی. قاهره.
- قشیری، عبدالکریم (بی‌تا). الرساله القشیریة. به کوشش عبدالحمید محمود و محمود بن شریف. قاهره: مکتبه محمدعلی صبیح.
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق.). غنائم الایام فی مسائل الحلال و الحرام. به کوشش عباس تبریزیان. مشهد.
- کاشانی، ابوبکر (۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. قاهره.
- کردستانی، ابوالقاسم (۱۳۹۹). توبه و استغفار از دیدگاه قرآن و روایات. تهران: مفید.
- کلینی، محمد (۱۳۹۱ ق.). الکافی. به کوشش علی‌اکبر غفاری. تهران.
- ماتریدی، محمد (۱۴۰۴ ق.). تأویلات اهل السنه. به کوشش محمدمستفیض الرحمان. بغداد.
- محاسبی، حارث (۱۹۸۶ م.). الوصایا. به کوشش عبدالقادر احمد عطا. بیروت.
- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۹ ق.). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. به کوشش صادق شیرازی. تهران.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۵). فرهنگنامه توبه. قم: دار الحدیث.
- مرداوی، علی (۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.). الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف. به کوشش محمد حامد فقی. بیروت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). توبه. تهران: صدرا.
- مفید، محمد (۱۴۱۰ ق.). المقنعه. قم.
- موسوی بجنوردی، محمدحسن (۱۳۸۶). القواعد الفقهیه. تهران: دلیل ما.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۴ ق.). جواهر الکلام. به کوشش محمود قوچانی. تهران.
- نووی، یحیی (۱۴۰۵ ق.). روضه الطالبین و عمدہ المقتین. بیروت.

_____ (۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م). الاذکار النوویه. به کوشش محیی‌الدین شامی. بیروت.

_____ (۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م). المجموع شرح المهذب. به کوشش محمود مطرحی. بیروت.

یوسفی تازه‌کندی، عباس و شهرکی، حدیث (۱۳۹۹). استغفار و توبه از منظر قرآن و نهج البلاغه. سومین همایش کنفرانس بین‌المللی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی حقوق.

References

- Abi, S. (n.d). Al-Samar Al-Dani. Beirut. (in Persian)
- Abu Helal, H. (۱۹۳۴). Al Forugh. Cairo. (in Persian)
- Abu Ishaq, I. (n.d.). Al Mohazzab. Beirut.(in Persian)
- Advi, A. (1900). Hashiyeh. Cairo. (in Persian)
- Ahmad Ibn Hanbal (1895). Almusnad. Cairo. (in Persian)
- Allameh Helli, H. (1991). Mokhtalef Al Shia. Qom. (in Persian)
- (1979). Kashf Al Morad.Beirut. (in Persian)
- Amedi, A. (1971). Qayat Al-Maram. Cairo. (in Persian)
- Aqapour, A. pourjamal, Y. (2021). The place of the institution of repentance in the fall of the hadd punishment from the perspective of jurisprudence and law. Fiqh & law. 8:28-47(in Persian)
- Azhari, M. (n.d.). Tahzib. Beirut. (in Persian)
- Bahuti, M. (1982). Kashshaf Al Qenaa. Beirut. (in Persian)
- Baqdadi, A.A. (1977). Al Farq. Beirut. (in Persian)
- Damyati, A. (n.d.). Ianah Al Talebin. Beirut.(in Persian)
- Dusughi, M. (n.d.). Hashiyeh Al Dusughi. Beirut. (in Persian)
- Fakhr Al Din, M. (n.d.). Al Tafsir Al Kabir. Cairo. (in Persian)
- Fatlavi, M. (n.d.). Al Tubah Va Al Taebun. Qom.(in Persian)
- Fazaeli, M.H. (2016). The place of the institution of repentance in the fall of the hadd punishment from the perspective of jurisprudence and law. Jurisprudence views. 73&74: 73-100.(in Persian)
- Haji Dehabadi,A. Rajabi, M.(2015). A reflection on the provisions of repentance in the Islamic Penal Code approved in 2013. Islamic law. 46:75-100.(in Persian)
- Hurr Ameli, M.H.(1995). Vasaeh Al Shia. Qom.(in Persian)
- Ibn-Abd Alsalam, A. (n.d.). Qavaed. Beirut.(in Persian)
- Ibn-Babveyh, M. (1994). Al-Moghneh. Qom. (in Persian)
- Ibn Fares, A. (n.d.). Mojam. Qom. (in Persian)
- Ibn Furak, M. (1986). Mujarrad Al Ahkam. Beirut.(in Persian)
- Ibn Hajar, A. (1959). Fath Al Bary. Beirut. (in Persian)
- Ibn Hobyreh, Y. (1947). Al-Ifsah. Halab. (in Persian)
- Ibn Jozy, M. (n.d.). Zad Al Masir. Beirut. (in Persian)
- Ibn Majeh, M. (1952). Al Sunan. Cairo. (in Persian)
- Ibn Manzur, M. (n.d.). Lesan Al Arab. Beirut. (in Persian)
- Ibn Qayyem, M. (1968). Alam. Cairo.(in Persian)
- Ibn Qodameh, A. (1984). Almoghny. Beirut. (in Persian)
- Ibn Sideh, A. (n.d.). Al Mohkam. Beirut. (in Persian)
- Ibn-Teymyeh, A. (n.d.). Kotob. Beirut. (in Persian)
- Jasas, A. (1985). Ahkam. Beirut.(in Persian)
- Javi, M. (n.d.). Nehayah. Beirut. (in Persian)
- Johari, I. (1956). Al Sehad. Cairo. (in Persian)
- Jorjani, A. (1907). Sharh. Cairo.(in Persian)
- Joveini, A. (1985). Al Ershad. Beirut.(in Persian)
- Kashani, A. (1986). Badaea. Cairo. (in Persian)
- Khatib, A. (1930). Tarikh Baqdad. Cairo. (in Persian)
- Khomeini, R. (1992). Forty Hadith. Tehran.(in Persian)
- Kulaini, M. (1971). Al Kafi. Tehran. (in Persian)
- Kurdestani, A. (2020). Tuba. Tehran.(in Persian)
- Mardavi, A. (1986). Al Insaf. Beirut. (in Persian)
- Materidi, M. (1983). Taavilat. Baqdad. (in Persian)
- Mofid, M. (1989). Al Moqneh. Qom. (in Persian)
- Mohammadi Reyshahri, M. (2016). Dictionary of Repentance. Qom.(in Persian)
- Mohaqeq Helli, J. (1988). Sharaye al Islam. Tehran. (in Persian)
- Mohasebi, H. (1986). Alvasaya. Beirut. (in Persian)

- Motahari, M. (2018). Tuba. Tehran. (in Persian)
- Musavi, M.H. (2007). Al Qavaed. Tehran.(in Persian)
- Najafi, M.H. (1974). Javaher Al Kalam. Tehran. (in Persian)
- Navavy, Y. (1984). Rozaht Al Talebin. Beirut. (in Persian)
- (1988). Alazkar. Beirut. (in Persian)
- (1996). Almajmue. Beirut. (in Persian)
- Payandeh, A.(2003). Nahj Al Fasaheh. Tehran.(in Persian)
- Qazali, M. (1940). Ihya Al Olum. Beirut. (in Persian)
- (1986). Al Tuba. Beirut.(in Persian)
- Qazi Abduljabbar (1965). Almoqny. Cairo. (in Persian)
- Qomi, A.GH. (1996). Qanaem Al Ayyam. Mashhad. (in Persian)
- Qurtubi, M. (1972). Aljami. Cairo. (in Persian)
- Qushairy, A. (n.d.). Alresaleh. Cairo. (in Persian)
- Ragheb, H. (1992). Mufradat. Beirut. (in Persian)
- Saber, M. Rafi zadeh, A. (2015). Substantive and formal provisions of repentance in the Iranian criminal legislation system. Jurisprudence views. 71:73-94.(in Persian)
- Saki, N. Saedi, K. (2018). Repentance and its effects in the thought of Imam Ali from the perspective of Nahjul-Balagha. The Fifth National Conference on Modern Research in the Field of Humanities and Social Studies. 150-165(in Persian)
- Seraj, A. (1960). Al Loma. Cairo. (in Persian)
- Seyyed Murteza, A. (1994). Al Intesar. Qom. (in Persian)
- (1984). Al Hudud. Qom. (in Persian)
- Shafei, M. (n.d.). Al Um. Beirut. (in Persian)
- Shahid Sani, Z. D. (1992). Masalek. Qom. (in Persian)
- Sohravardi, O. (1982). Avaref. Beirut. (in Persian)
- Tabari, M. (1984). Jami Al Bayan. Beirut. (in Persian)
- Tabarsi, F. (1994). Majma Al Bayan. Beirut. (in Persian)
- Taheri, M.H. Amini, J. (2014). Repentance of the criminal in contemporary jurisprudence and criminal law. Approximate studies of Islamic religions. 35:70-83.(in Persian)
- Termazi, M. (1938). Al Sunan. Cairo. (in Persian)
- Tusi, M. (1964). Al Ttebyan.Najaf. (in Persian)
- (n.d.). Al Nehayah. Beirut. (in Persian)
- Yusefi, A. & Shahreki, H. (2025). Forgiveness & Repentance In perspective of Quran & Nahj al balagheh. (in Persian)
- Zarkeshi, M. (1984). Al Mansur. Kuwait. (in Persian)
- Zemakhshari, M. (n.d.). Asas Al Balaghah. Beirut.(in Persian)